

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال هفتم، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۹۳
صفحات: ۱۸۷-۲۰۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۶/۳۰

بازتاب انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در تونس

دکتر حسین معین آبادی* / عزیزه انتقامی**

چکیده

در این نوشتار، هدف تبیین بازتاب انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در سطح خاورمیانه و به صورت موردی کشور تونس می باشد. انقلاب اسلامی ایران، در بهمن ۱۳۵۷، با براندازی حکومت شاهنشاهی طرفدار غرب به پیروزی دست یافت؛ و به دوران حقارت شرق و دنیای اسلام در برابر استعمارگران و سلطه گران غربی پایان داد؛ و عصر بیداری، خود باوری و بازگشت به خویشتن اسلامی را میان مسلمانان رواج داد. انقلاب اسلامی نمونه ای بارز از انقلاب‌هایی بود که بیداری کشورهای چپ‌تنس را به دنبال داشت؛ و انقلابی معروف به «گل یاسمن» را در آن پروراند. چارچوب و مبانی نظری نیز بر اساس نظریه‌ی پخش می‌باشد. نتایج این تحقیق که با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده؛ نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی به شکل غیر مستقیم بر فرایند بیداری اسلامی و انقلاب در تونس نقش داده است.

کلید واژه‌ها

انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، نظریه پخش، تونس.

moeini@uk.ac.ir
safir.net2012@gmail.com

*عضو هیات علمی و استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران
**کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه مفید، قم، ایران

مقدمه

رخداد بی نظیر انقلاب اسلامی ایران، در جهان دین گریز و دین ستیز قرن بیستم، بحرانی عظیم در جریان سکولاریزه نمودن حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها به شمار می‌رود. بیشترین اثر آن را می‌توان در تغییر نظام سیاسی، دانست که بدون پایه‌ها و مبانی فکری مطمئن و استوار امکان‌پذیر نبود. در واقع «انقلاب فکری» مقدمه‌ای بود برای قیام ملت ایران علیه نظام استبدادی شاهنشاهی. انقلاب اسلامی ایران هم از نظر داخلی و هم بین‌المللی تأثیرات وافر را از خود بر جای گذارده است؛ که با محوریت مکتب اسلام به عنوان ایدئولوژی انقلاب اسلامی و ارائه‌ی راهی جدید در دوران سرخوردگی بشر از مکاتب مادی غرب و شرق، بسیارشگفتی آفرید. این انقلاب برخلاف، سایر انقلاب‌های مدرن دیگر، از رویکردی دینی و معنوی برخوردار بود؛ و اساس نگرش دنیا محورانه و مادی‌گرایانه‌ی حاکم بر نظام تعامل جهانی را به چالش کشید و موجی از امید و شور را در میان ملل محروم جهان و جوامع اسلامی به وجود آورد. به واسطه‌ی انقلاب اسلامی ایران، دین به عنصری تعیین کننده در حوزه‌ی عمومی زندگی انسان از جمله جامعه و سیاست مبدل گردید و جنبه‌های معنوی و ربانی را وارد زندگی روزمره، اجتماعی و سیاسی نمود. اسلام نیز از بعد نظری و عملی عینیت یافت و توانست از مصادیق بیرونی و خارجی برخوردار گردد (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۴۷). این پیروزی چون داروی شفابخشی موجب احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان و افزایش روحیه و تقویت بنیادهای فکری گردید؛ به گونه‌ای که از حالت تدافعی درآمده و حالت تهاجمی به خود گرفته است. براساس گفته‌های فرانسوا توال انقلاب ایران، تأثیر شگرفی بر ژئوپلیتیک شیعه گذارده است، به گونه‌ای که منجر به شکل‌گیری مرکزی واحد و سازماندهی یکپارچه‌ای شد، به صورتی که عنوان «بین‌الملل شیعه»^۱ را به آن اطلاق می‌نمایند. در واقع انقلاب اسلامی قطبیت شیعی را در جهان پدیدار کرد؛ که این امر نشان‌دهنده بازگشت شیعه به صحنه‌های سیاسی در جهان می‌باشد و فرصتی را، برای تبیین و ارائه الگویی انقلابی و استکبار ستیز در جوامع شیعی با هدف اسلامی شدن از طریق وحدت مسلمانان رقم زد (توال، ۱۳۸۰: ۴۴). انقلاب اسلامی با احیای تفکر اسلامی، باعث برجسته تر شدن نقش اسلام و مسلمانان در عرصه‌های مختلف شد و عنصر هویت اسلامی را به‌عنوان واقعیتی پذیرفته شده در برابر هویت جهان شمول غرب مطرح

1. Shiites International

ساخت. از یک سو با تأکید بر اسلام خواهی از طریق ترویج اسلام سیاسی، بسیاری از مسلمانان جهان را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرار داده است. از سوی دیگر نیز به احیای اسلام و تفکرات اسلام سیاسی پرداخته، این امر منجر شد؛ تا در مقابل غرب و فشارهای شدید نظام بین‌المللی قرار گیرد. این مسأله غرب را برآن داشته تا برای شناخت بهتر و جامع تر اسلام و ایران به مطالعاتی در این زمینه پردازد که به تدریج مطالعات اسلامی و اسلام شناسی جای شوق شناسی را گرفت.

از مهمترین دلایل شکل‌گیری این مطالعات، جنبه‌های مختلف تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در سطوح جهانی و منطقه‌ای بوده است؛ که غربی‌ها به دلایل بدیع بودن انقلاب به بررسی ابعاد فکری، ایدئولوژیکی، روند انقلاب و ... پرداختند و در نهایت بسیاری از آن‌ها در اندیشه‌ی خود نسبت به انقلاب، تغییرات و اصلاحات لازم را انجام دادند. با گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، زمان آن فرا رسیده است که به ارزیابی آثار و بازتاب برون مرزی انقلاب اسلامی پرداخته شود. در نظر تحلیل‌گرانی چون اسپوزیتو بازتاب انقلاب اسلامی در سطوح مختلف به چهار شکل انجام پذیرفته که عبارت است از: بازتاب ملموس و چشمگیر، تقویت جریان‌های سیاسی اسلامی و شتاب بخشیدن به آن‌ها، برانگیختن ایدئولوژی و تفکرات سیاسی اسلامی و فراهم آوردن دلایل و بهانه‌های لازم برای برخی از کشورها برای مهار و سرکوب جنبش‌های اسلامی مخالف (اسپوزیتو، ۱۳۹۱: ۳۳۱-۳۳۰). در این پژوهش تلاش برآن است که بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی با توجه به نظریه‌ی پخش در سطح خاورمیانه مورد ارزیابی قرار گیرد.

اثبات تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کشورهای مسلمان پیوسته امری سخت و دشوار به نظر می‌رسد. به طور کلی اثرگذاری انقلاب اسلامی به دو طریق قابل طرح و دفاع می‌باشد:

۱- اعترافات و اطلاعات مستقیم، آشکار و بدیهی.

۲- تحلیل، استدلال و اثبات غیر مستقیم (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۹۲).

همچنین درگردآوری و آماده‌سازی اطلاعات، از شیوه‌های توالی، تقارن، تشابه، روش‌های تاریخی و جغرافیایی و توصیفی - تحلیلی دراثبات بازتاب انقلاب اسلامی و بیداری کشورهای اسلامی استفاده می‌شود (همان: ۲۷-۲۶). در واقع جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و از تحقیقات نظری به شمار می‌رود.

گفتار اول: ادبیات و مبانی نظری

در تبیین بازتاب انقلاب اسلامی ایران همانند سایر انقلاب‌ها نظریات متعددی چون نظریات همگرایی منطقه‌ای جهانی و کارکردگرایی و... وجود دارد. در این نوشتار تلاش برای این است که با در نظر گرفتن شرایط مختلف بازتاب انقلاب اسلامی ایران در سطح خاورمیانه (تونس) با توجه به نظریه «پخش»^۱ یا «اشاعه» مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱- نظریه اشاعه یا پخش

این نظریه به همت‌هاگر استراند^۲ (جغرافیدان سوئدی) در سال ۱۹۵۳ ابداع گردید. وی به واسطه‌ی این نظریه در پی کسب چگونگی گسترش نوآوری در زمینه‌ی پدیده‌های کشاورزی و سل گاوی در طی سال‌های مختلف برآمد. به نقل از شکویی، این نظریه، بعدها به چگونگی انتشار وبای التور^۳ در مناطق مختلفی چون هند، آفریقای مرکزی، خاورمیانه و... پرداخت (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۱۱-۱۱۲). ابتدا بیشترین کاربرد این نظریه در زمینه‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود، اما توانست با گذشت زمان به زمینه‌های فرهنگی نیز راه یابد و از قدرت تبیین و توضیح هر نوع نوآوری فکری و فیزیکی برخوردار است و همچنین می‌تواند علت اشاعه، نحوه‌ی انتشار و گسترش، مسیرها و مجراهای پخش، علت توقف و گسترش مجدد و... را به تصویر بکشد (Hagget به نقل از برزگر، ۱۳۹۱: ۳۴). جردن و روانتری پخش فرهنگی را در پخش بین‌المللی این گونه تعریف می‌کنند: «پخش فرهنگی، حتی در میان فرهنگ‌های قومی، هرگز در محدوده مرزهای ملی باقی نمی‌ماند» (جردن و روانتری، ۱۳۸۰: ۳۱۶).

۱-۱- انواع پخش

در نظرهاگراستراند انواع پخش عبارتند از (همان: ۲۶-۲۵):

۱-۱-۱- پخش جا به جایی^۴: در این نوع، لازمه‌ی پخش، یک نوآوری یا یک عنصر از فرهنگ، انتقال فرد یا گروه حامل یک اندیشه است. پخش جابجایی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده‌ی مخصوص، به‌طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند؛ مانند نمونه می‌توان به

1. Diffusion

2. Hoyer Strand

3. Eltor

4. Relocation Diffusion

گسترش مذاهب با اعزام مبلغان، استعمار اروپاییان از سال ۱۵۰۰ تا ۱۹۵۰ و مهاجرت مسیحیان اروپایی به آمریکا اشاره نمود (همان: ۲۵).

۲-۱-۱- پخش سلسله مراتبی^۱: در این مرحله از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها به صورت منظم و در قالب سلسله مراتبی گسترش و انتقال می‌یابند. معمولاً انتقال و گسترش پدیده‌ها و نوآوری‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر و یا از یک مرکز شهری مهمی به مرکز شهری دیگر اتفاق می‌افتد (همان). این پخش در سایه‌ی ساختارهای اجتماعی جریان می‌یابد. به عبارتی، هرگاه یک نوآوری، ابتدا سطوح بالای اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد؛ و در نهایت به پایین‌ترین سطح جامعه می‌رسد که مانند قطره چکان عمل می‌کند (هاگت، ۱۳۷۵: ۹۴). چنین پدیده‌هایی را انتشار ریزشی می‌نامند؛ فرآیندی که از مراکز بزرگتر و مهمتر به سوی مراکز کوچکتر سرازیر می‌شوند. در صدر اسلام، هنگامی که رئیس قبیله به سوی اسلام گرایش می‌یافت، کل افراد قبیله نیز دین خود را تغییر می‌دادند (برزگر، ۱۳۸۳).

۳-۱-۱- پخش سرایتی یا واگیردار^۲: این پخش در مقابل پخش سلسله مراتبی قرار دارد. معمولاً گسترش و انتشار ایده‌ها در آن بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب شکل می‌گیرد، مانند اشاعه‌ی بیماری‌های مسری. به این نوع پخش، پخش انگیزه‌ای نیز می‌گویند (جردن و روانتری، ۱۳۸۰: ۲۶)، معمولاً به شکل مستقیم انتشار می‌یابد. بیماری‌های واگیردار در آن از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌شود و انتشار می‌یابد. چیزی که در این پخش بسیار حائز اهمیت می‌باشد، فاصله و مسافت در آن می‌باشد. معمولاً افرادی که در نواحی نزدیک‌تری هستند نسبت به افرادی که در مناطق دورتری قرار دارند، بیشتر تحت تأثیر آن قرار دارند. (Hagget به نقل از برزگر، ۱۳۹۱: ۳۸).

۲-۱- عوامل نظریه پخش

هاگر استراند عوامل چندی را حائز اهمیت می‌داند که عبارتند از (به نقل از شکویی، ۱۳۷۷: ۳۰۵-۳۰۶):

۱-۲-۱- مبدأ پخش: با وقوع انقلاب اسلامی در ایران کشورهای همجوار و منطقه خاورمیانه و جهان اسلام به‌طور خاص و جهان به‌طور عام تحت تأثیر این رخداد عظیم قرار گرفتند. رخدادهای سیاسی و فرهنگی و... در این کشور همانند هر نوآوری و ابداعی، برای سایر

1. Hierarchic Diffusion
2. Contagious Diffusion

مسلمانان بسیار جذاب و شگفتی آور بود. هنگامی که انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹ به پیروزی رسید، شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی بخش، تبلیغ اسلام و دعوت به مذهب شیعه و معرفی ایران به عنوان «ام القرای جهان اسلام»، کانون پخش و تراوش در منطقه گردید. بدین سبب، تأثیرات غیر ارادی یا به تعبیر گراهام فولر رفلکسی بر مردم منطقه داشته است؛ به گونه ای که حتی کسانی که علاقه ای به انقلاب اسلامی نداشتند، تحت تأثیر آن واقع شدند. این تأثیرات از قدرت سلبی یا نفی کنندگی انقلاب و گسترش این باور که «آیت‌اله» باید درست عمل کرده باشد؛ که توانست شاه و نظام سلطنتی اش را با آنکه تحت حمایت آمریکا بود واژگون سازد و آمریکا را نیز تحقیر نماید (فولر، ۱۳۷۳: ۱۰۹-۹۳). انقلاب در سال‌های نخست پیروزی بسیار تأثیرگذارتر بود. به باور نیکی کدی تأثیرات محسوس انقلاب اسلامی و الهام بخشی آن برای بسیاری از جریان‌های اسلامی در جهان اسلام به زمان وقوع انقلاب باز می‌گردد که پس از آن کم رنگ تر می‌شود و تقلیل می‌یابد (Keddi, 1995: 18). در دهه ی سوم انقلاب، با گذر زمان و تراکم پخش پیام‌های انقلاب اسلامی در منطقه، از تک مرکزی بودن به چند مرکزی بودن تغییر وضعیت می‌دهد. بدین سبب تا اندازه ای از اهمیت انقلاب اسلامی ایران، به نام کانون اولیه ی پخش کاسته می‌شود؛ مراکز ثانویه ی پخش نیز با کسب پیام‌های انقلاب اسلامی ایران و گردآوری آن‌ها براساس ارزش‌های سنن دینی و محیطی خود به بومی کردن آن‌ها می‌پردازند (برزگر، ۱۳۹۱: ۵۲). از کانون‌های ثانویه پخش می‌توان به جنبش مقاومت در لبنان و فلسطین و گروه‌هایی در عراق اشاره کرد. آنچه از انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدای شکل‌گیری برخاسته، دارا بودن اهداف و آرمان جهانی است؛ بدین لحاظ با پیروزی انقلاب دشمنی‌ها در سطح منطقه ای و جهانی با وی آغاز گردیده است.

۲-۱-۲- حوزه، مقصد و مکان پخش: به طور طبیعی محیط پخش، گاه دارای محیط پذیرا (برخورداری از تجانس فکری، دینی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) و محیط ناپذیرا (تفاوت‌ها، اختلاف‌ها و شکاف‌های مذهبی، زبانی، فرهنگی و نژادی) می‌باشد. عوامل پذیرا زمینه‌های مساعد را در جهت همگرایی پیام‌های انقلاب اسلامی فراهم می‌آورد؛ و عوامل ناپذیرا موجب عدم تأثیرپذیری از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی آن می‌شود (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۸۸). اگر ایران را مرکز پخش در منطقه و خاورمیانه را مکان‌های پخش در نظر بگیریم؛ امواج پخش وارد

محیطی ناپذیرا و دارای شکاف‌های عمیقی از نظر زبانی، مذهبی، فرهنگی و فکری، سیاسی و اجتماعی می‌شوند (توال، ۱۳۸۰: ۱۳۷، ۳۸-۱۳۲). از سوی دیگر به دلیل دوری مسافت، انتظار تأثیر انبوه پخش انقلاب بر برخی از این کشورها چندان معقول به نظر نمی‌رسد؛ زیرا بازتاب انقلاب بر کشورهای خاورمیانه به شکل مستقیم و غیر مستقیم صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر مسلمانان به ویژه شیعیان در سطح منطقه از کانون‌های مهم پخش به شمار می‌روند.

۳-۲-۱- زمان پخش: گراهام فولر بازتاب انقلاب اسلامی را «تأثیر رفلکسی انقلاب» می‌داند (فولر، ۱۳۷۳: ۱۵۶)، که در سال‌های نخست از گستردگی بسیاری برخوردار بوده است، اما به تدریج، با گذر زمان اثرات آن محدود می‌گردد. این وضعیت در صورتی رخ می‌دهد که نوآوری‌های انقلاب اسلامی را منحصراً به یک سال مانند ۱۳۵۷ بدانیم؛ درحالی که این نوآوری‌های انقلاب همواره در حال تولید و بازپروری هستند، طبیعی به نظمی رسد که تأثیرات انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ با تأثیرات آن در سال ۱۳۸۱ متفاوت باشد (برزگر، ۱۳۹۱: ۵۷).

می‌توان ادعان داشت که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی و خاورمیانه از همان زمان شکل‌گیری انقلاب اتفاق افتاده است؛ در واقع، این تأثیرگذاری با تولد خود انقلاب متولد شده است. همچنین پخش و سرایت یک پدیده، از مبدأ پخش به مقصد پخش ممکن است نیاز به صرف زمان بسیاری داشته باشد، انقلاب ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و تأثیر آن بر کشورهای اسلامی نیاز به گذر زمان دارد. اگر بخواهیم اثرات پدیده‌هایی چون انقلاب اسلامی را به شکل خطی مورد بررسی قرار دهیم، نه تنها به درک واقعیت انقلاب خدشه وارد می‌شود؛ بلکه نقایصی را در پیش‌بینی آثار و نتایجش به همراه دارد؛ زیرا این بازتاب‌ها در زمان‌ها و شرایط‌های گوناگون، شرایط متغیر ایران، کشورهای مقصد، منطقه و نظام‌های بین‌المللی رخ می‌دهد. بازتاب انقلاب در دوره‌های زمانی، از وقوع انقلاب تا پایان جنگ سرد و از پایان جنگ سرد تا واقعه ۱۱ سپتامبر و پس از آن، تأثیرات بسیاری را برجای گذارده است. با گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ارزیابی‌های مختلفی از آن صورت گرفته است؛ مانند جنبش‌های اسلامی معاصر از جان اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن از جان اسپوزیتو، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی از منوچهر محمدی، غرب و تجدد حیات اسلام از عباسعلی رهبر و... می‌توان نام برد؛ بنابراین، مرزهای اسلام سیاسی و بیداری اسلامی بیش از آنچه که انتظار می‌رفت در حال گسترش است (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۴۹).

۴-۲-۱- مسیره‌های پخش: هدف از مسیره‌های پخش، مجاری است که به واسطه‌ی آنها امکان سرایت یک پدیده از مبدأ پخش به مقصد پخش ایجاد شود. حداقلی از افراد لازم هستند که رفتاری را انجام دهند تا پس از آن، جریان اشاعه، خودبه‌خود مانند توده برفی که به بهمن مبدل می‌گردد، ادامه یابد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۸۸). مجاری و نهادهای بسیاری لازم است تا به واسطه‌ی آنها کار پخش انجام شود؛ بنابراین ابزارها، افراد و نهادهایی به طور طبیعی و یارادی در این رابطه عامل شیوع اندیشه‌ها می‌گردند (حشمت زاده، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۴). فراتر از پخش غیرارادی و خود به خودی یا رفلکسی، خود ایران نیز نه تنها مانعی برای پخش نوآوری ایجاد نکرده، بلکه با اتخاذ سیاست‌های صدور انقلاب، امکان انتقال همراه با سهولت بیشتر آن را فراهم ساخته است (برزگر، ۱۳۹۱: ۵۳). در صدور انقلاب از چهار نوع استراتژی استفاده شده، که شامل: الگوسازی، تبلیغ و آگاه سازی، آموزش و حمایت از نهضت‌های آزادی بخش که در تعامل با کشورهای دیگر هستند.

۵-۲-۱- موضوع پخش: موضوع پخش انقلاب اسلامی از طیف‌های متنوع و گسترده‌ای از تأثیرات برخوردار است که عبارت است از: پوشاک اسلامی، حضور در مساجد، جدی شدن موضوع دین برای جوامع مسلمان نشین، الهام‌گیری از مبارزات انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، وحدت اسلامی مسلمانان، وحدت شیعه و سنی و....

در واقع انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر دو نهاد اسلام و مردم، ضربه‌ی سنگینی بر امپریالیسم آمریکا و نظام دیکتاتورمآب و دست‌نشانده‌ی آن وارد نموده است و منجر به تحقیر آن‌ها در سطوح بین‌المللی گردیده است که جهان اسلام را به طور خاص و جهان را به طور عام تحت تأثیر قرار داده است. بر اساس عوامل فوق ایران کانون پخش و تراوش حکومت دینی به مقصد کشورهای اسلامی، احزاب و جنبش‌های مردمی گردید و منجر به تأثیرپذیری‌های غیر ارادی یا رفلکسی در میان مسلمانان در سایه اسلام سیاسی، افراد، مناسبت‌ها، سازمان‌های انقلابی، طیف وسیعی از انواع تأثیرات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در رهبران و روشنفکران دینی از طریق پخش جابجایی، سرایتی و سلسله‌مراتبی به وجود آورد (برزگر، ۱۳۸۹: ۶۷-۵۶).

۲- بیداری اسلامی

بیداری را می‌توان به معنای (بِقِظْه) ضد خواب و هوشیاری دانست که فعال شدن هوش و آگاهی را به دنبال دارد؛ اما بیداری اسلامی جریانی است که در تاریخ معاصر کشورهای اسلامی

به اشکال گوناگونی و با نتایج خاصی به وقوع پیوسته است؛ و بعضی آن را به معنای اصلاح دینی و احیای می دانند. درعربی آن را «الصحوۃ الاسلامیة (بیداری اسلامی)، البعث الاسلامی (تولد دوباره اسلامی)، التیار الاسلامی (روند اسلامی)، الحركة الاسلامیة (جنبش‌های اسلامی) والیقظة الاسلامیة (هوشیاری اسلامی)» می‌خوانند (عباسی، ۱۳۹۱: ۲۴). همزمان با حرکت استعمارگران غربی و عقب ماندگی مسلمانان در زمینه‌های علمی به واسطه برخی از نخبگان جهان اسلام رقم خورد و آهسته، آهسته در میان توده‌های مردمی در کشورهای اسلامی رواج یافت. همچنین آن را به معنای ظهور اسلام ناب و پاک در جامعه می‌دانند، این باور وجود دارد حیات برین از دین سرچشمه می‌گیرد و تنها به واسطه دین قابل دسترسی می‌باشد؛ زیرا خداوند حیات رابه انسان و جهان بخشیده است؛ بنابراین، بیداری اسلامی را به معنای زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل می‌دانند. بازگشت به اسلام و احیای ارزش‌های اسلامی از جمله اهدافی است که مد نظر رهبران این جریان می‌باشد. غرب نیز برای سلطه بر کشورهای اسلامی، با چالش‌های بسیاری مواجه گردید؛ بدین لحاظ دین اسلام را از موانع بزرگی برای دستیابی به اهداف خود قلمداد می‌نماید؛ مخالفت آموزه‌های اسلامی با سلطه گری، استعمار و استثمار غرب را به تقابل و رویارویی با بیداری اسلامی وا داشت. ماهیتی که این جریان از آن برخوردار بود و موانعی که این جریان به واسطه غرب دچار می‌گشت؛ باعث شد تا استکبارستیزی یه عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم آن محسوب گردد. بدین جهت برای احیای ارزش‌های اسلامی و مبارزه با ظلم و استکبار به حضور و حمایت همیشگی مردم نیاز است. از عوامل سازنده ی بیداری اسلامی می‌توان به: «غرب فکری + غرب سیاسی + نفت + ارتش + دیکتاتوری‌ها و نظام سیاسی» اشاره نمود (رهبر، ۱۳۹۲: ۲۴). از جمله مکاتب فکری و جریان‌های سیاسی که خواهان تغییر در وضع موجود بود و در تلاش بود که برای بیداری و خروج مسلمانان از این وضعیت نابسامان اقدامات لازم را انجام دهد و شرایط مطلوب و مناسب را فراهم نماید؛ جریان اسلام گرا بود که بیش از یک قرن در صدد بیداری مسلمانان از خواب غفلت برآمده است.

گفتار دوم: بازتاب انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی در تونس

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (تونس) پس از سالها شاهد ظهور خیزش‌های مردمی به شکل انفجاری و ناگهانی بوده است. خیزشی که در سطح خاورمیانه به وقوع پیوسته، به جز ایران در کشور دیگری سابقه ندارد. انقلاب‌هایی که به واسطه مردم در خیابان‌ها و بدون هرگونه

درگیری و با وحدت کلمه انجام پذیرفته. بیشتر اعتراضات به دلیل وجود شرایط نابسامان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... است. علی رغم حضور جریانات مختلف سیاسی و اجتماعی در آن، بازگشت به خویشتن و هویت اصیل اسلامی به عنوان خواست عمومی جامعه مورد تأکید قرار گرفته است.

در واقع اگرچه در بطن این انقلابها جریانات سکولاریسم ملی‌گرا یا غرب‌گرایی و... وجود داشته‌اند اما هدایت این انقلابها برخلاف تعریف رایج از انقلاب‌های کلاسیک نه تنها توسط نخبگان یا رهبران پیشرو صورت نگرفته است بلکه توسط جوانان و مردم عادی انجام شده است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۹۵). از سویی می‌توان اذعان داشت که انقلاب‌های منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (تونس) از بسیاری جهات، گوناگون، بی سابقه و منحصر به فرد به نظر می‌رسد؛ زیرا منجر به سرنگونی و تغییر در رژیم چند کشور عربی گردیده است. هر چند که به ظاهر امواج انقلابی در خاورمیانه با یک اتفاق ساده محلی در تونس آغاز گردید، اما در تبیین انقلاب‌های مردم خاورمیانه، نگاه ایران در مقابل نگاه غرب قرار گرفت. می‌توان، انواع پخش را در بازتاب انقلاب اسلامی ایران در سطح خاورمیانه و شمال آفریقا مشاهده نمود. به عنوان نمونه در پخش جابه جایی می‌توان به اعزام مبلغان مذهبی از شهری به شهر دیگر اشاره کرد (جردن و روانتری، ۱۳۸۰: ۲۳۷-۲۲۶). در پخش سرایتی، تسری موضوعات پخش به نزدیک ترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر و نوآوری قرار دارند. «اثرهمسایگی»^۱ و «عنصر پیشاهنگها»^۲ از عوامل کلیدی پخش سرایتی به شمار می‌روند. چون ایران از موقعیت استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است. بدین جهت تلاش می‌کند که به شیوه‌های گوناگونی بر سطح منطقه تأثیرگذار باشند.

۱- تونس

جمهوری تونس، کشوری در شمال آفریقا با مساحت ۱۶۳،۶۱۰ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۱۱ میلیون نفر است. این کشور بر کرانه دریای مدیترانه واقع شده و از غرب با الجزایر و از شرق و جنوب با لیبی هم‌مرز است. دارای ۲۴ استان (ولایه) است، سوسه، مهدیه، نابلو قیروان از استان‌های مهم گردشگری آن به شمار می‌روند، شهر حماماتبه از مهمترین شهرهای توریستی می‌باشد (امیرشاهی، ۱۳۷۳: ۳). فرانسه بالغ بر صد سال (۱۹۵۶-۱۸۸۱) بر تونس سلطه داشت

1. Neighbor Effects

2. Avant-gard

تا اینکه سرانجام در ۱۹۵۶، توانست به استقلال دست یابد. «حیب بورقبیه» حاکم و رئیس جمهور مادام العمر این کشور بود؛ که سرانجام پس از ۳۱ سال دیکتاتوری در سال ۱۹۸۷ به دست «زین‌العابدین بن علی» ژنرال عالی رتبه ی ارتش سرنگون گردید. بن علی نیز دارای حکومتی سکولار بود که وی نیز پس از ۲۳ سال در ژانویه ۲۰۱۱ (۲۴ دی ۱۳۸۹) به وسیله اعتراضات عمومی مردم سرنگون گردید. در واقع جرقه ی اعتراضات مردم تونس به دولت، در پی خود سوزی «محمد بوعیزی» زده شد که شعله‌های این آتش مبدل شد به شعله‌های برفروخته ی خشم مردم تونس که از میادین مختلف شعله ور گردید. این شعله‌های خشم، فروپاشی نظام سکولار و قرار گرفتن تونس در مرحله استقرار نظام سیاسی جدید را به دنبال داشت. در این بین، اندیشه ی اسلام‌گرایان با توجه به اکثریت عامه مردم، به مطالبات اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار گردید. در گروه‌های اسلام‌گرایان تونس، جنبش‌های انبیه از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. به باور اسپریگنز جهان اسلام در پی ظهور اندیشه‌ها و جریان‌های سیاسی دچار تحول و بحران گردیده است (اسپریگنز، ۱۳۶۵: ۱۷). در دوران‌های معاصر، این بحران‌ها، نقش بسیاری در شکل‌گیری و تحول جریان‌های سیاسی جهان اسلام ایفا نموده‌اند. جریان‌هایی که به این بحران‌ها پاسخ می‌دهند به سه شاخه تقسیم می‌شوند: غرب‌گرایان، ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان. از اندیشمندان گروه اول «رفاعه رافع طهطاوی» (۱۸۷۳-۱۸۰۱) می‌باشد که حل مشکلات جوامع اسلامی را در پیروی از عقل می‌داند؛ و انسان جدید غربی را به‌عنوان یک مدل از انسان کمال طلب دانسته که الگوی همه واقع می‌گردد (رجایی، ۱۳۸۱: ۲۵). از اندیشمندان گروه دوم، می‌توان به «عبدالرحمان کواکبی» دارنده آثار «طبایع الاستبداد و ام القری» نام برد. که در آنها به نقد استبداد و ریشه‌های ناتوانی و درماندگی مسلمانان و راه چاره آنان بحث کرده و به مواردی چون ستیزها و اختلافات درونی، نادانی فرمانروایان مسلمان، محرومیت مسلمانان از آزادی و... اشاره می‌نماید (عنایت، ۱۳۶۳: ۱۷۶). «سیدجمال‌الدین اسدآبادی»، «رشید رضا»، «حسن‌البناء» و «راشدالغنوشی» از نمایندگان دسته سوم به شمار می‌روند.

۲- تحولات در تونس

ریشه جنبش‌های اسلامی تونس به ایدئولوژی وام گرفته مدرن «بورقبیه» در پی شعارهای جنبش آزادی بخش ملی و سنت‌گرایی دینی نهاد زیتونیه، به اواخر دهه ۱۹۵۰ باز می‌گردد. در

میان رهبران عرب وی تنها رهبری بود که از شیفتگی خود به غرب پروا نداشت. نقش او در تونس همانند نقش «کمال آتاتورک» در ترکیه لائیک بود؛ در نظر او آتاتورک ایده آل ترین الگو برای یک قهرمان، عالی ترین رئیس جمهور و از افتخارات ملی ترکیه به شمار می‌رفت، بدین لحاظ به او لقب «معجزه‌گر» داده بود و بسیار آن را مورد تکریم و ستایش قرار می‌داد. سیاست‌های این کشور بر اساس ناسیونالیسم به صورت یک ایدئولوژی برگرفته از آتاتورک شکل گرفته بود. این احساسات ملی‌گرایانه در آن زمان که جهان عرب تحت سلطه‌ی استعمار بود، شدت و قوت بیشتری داشت؛ به گونه‌ای که به تکوین تفکری تحت عنوان «ناسیونالیسم عربی» پرداخت. باید اذعان نمود که «رضاشاه» در ایران، «کمال آتاتورک» در ترکیه و «بورقبیه» در تونس هر یک در دوره‌های مختلفی تحت تأثیر تحولات از نظر فرهنگی، سیاسی و... بسیاری واقع شدند. بورقبیه اقدامات بسیار برای اجرای اصلاحات برآمده از اروپا در کشور انجام داد؛ سعی می‌کرد مخالفان و مبارزان دینی خود را به حاشیه براند و جایگاه مؤسسات کهن دینی، آموزشی و اداری کشور را سست نماید. همچنین در اقدامی به نام «انقلاب بورژوازی» ابتدا موقوفات اسلامی را برچید و به واسطه آن استقلال و زیر بنای اقتصادی اسلامیون را نیز از میان برداشت.

در زمینه فرهنگی، سعی کرد سیاست اصلاحی - تربیتی کشور را بر پایه سکولاریزم شکل دهد و با الگوپذیری از فرانسه نهادهای دانشگاهی را در کشور بنا نهاد؛ به گونه‌ای که مدرسه دینی زیتونیه را که در جامعه تونس، از ریشه‌ای عظیم برخوردار بود، در ۱۹۵۸ به دانشکده شریعت و اصول دین مبدل گرداند؛ اصول اجرایی، آن را بر مبنای، اصول غربی شکل داد. چنین شیوه‌هایی را رضاخان و کمال آتاتورک هم در پیش گرفتند، اما حداقل رضاخان در ایران نتوانست در نابودی حوزه علمیه قم راه به جایی برد و شکست خورد. از نظر قضایی، حداقل سن ازدواج، مهریه و عدم حق طلاق یک جانبه از طرف مرد، جواز ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان؛ از جمله قوانینی بشمار می‌رفتند که منجر به تحدید قوانین مذهبی و دینی حاکم بر کشور می‌شدند و تهدیدی برای اجرای آنها به شمار می‌رفتند. منع روزه‌داری در ماه رمضان، به‌عنوان عامل ضعف کارگران و انتقاد از عید قربان و حج به بهانه هدر رفتن ارز کشور از جمله اقدامات ضد دینی در زمان بورقبیه در کشور بود. در سال ۱۹۷۴ تمام معجزات قرآنی را منکر گردید و اسلام را از موجبات شکست و عقب ماندگی کشور می‌دانست. اما این اقدامات بورقبیه به رقم سکولار بودنش نتوانست موجب انقطاع فکری جامعه تونس با مبانی اسلامی گردد؛ زیرا

اسلام دین غالب بر کشور بود. همچنین درصدد بود که برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود دین را به خدمت بگیرد و اسلام مورد نظر خود را رواج دهد. این نگاه منجر شد شرایطی در کشور حاصل گردد؛ که ژول فری، نخست وزیر اسبق فرانسه، عنوان «کلید خانه فرانسه» را به تونس بدهد، زیرا آن را از مستعرات خود به شمار می‌آورد (امیرشاهی، ۱۳۷۳: ۱۷-۱۶).

دولت بورقیبه بسیار تلاش کرد تا بتواند، اهداف و ایدئولوژی‌های سکولاریستی غربی را بطور کامل بر کشور حاکم گرداند، اما در این زمینه توفیقی حاصل نشد؛ همچنین چالش‌های برآمده میان ایدئولوژی سکولار غربی دولت حاکم با میراث عربی - اسلامی مردم قیام‌هایی چون قیام ۱۷ ژانویه ۱۹۶۱ در شهر قیروان به رهبری عبدالرحمن خلیف را به دنبال داشت، که توسط بورقیبه سرکوب شد.

تونس در دهه ۶۰ تا ۷۰ به واسطه سیاست‌های دولت، آستن تغییرات بسیاری در سبک زندگی مردم بود؛ و زمینه‌های لازم را برای شکل‌گیری و رشد جنبش‌های اسلامی در کشور فراهم نمود. در نهایت بورقیبه در سال ۱۳۶۶/۱۹۸۷ برکنار شد و بن علی در طی بیانیه‌ای و با کودتایی نظامی بدون خونریزی بر مسند ریاست جمهوری نشست. وی وعده داده بود که خواهان تغییراتی در سطح امور اقتصادی، اجتماعی و لغو نظام حکومت فردی است (محمدی: ۱۳۸۵: ۲۸۵)؛ و در سال ۱۳۷۳/۱۹۹۴ تنها کاندیدای ریاست جمهوری بود که با ۹۱/۹۹ درصد انتخاب شد و مدت ۲۳ سال مستبدانه بر تونس حکومت کرد. برخی بر این باورند که بین فرار شاه مخلوع ایران و بن علی شباهت‌هایی وجود دارد تا جایی که می‌توان بن علی را پهلوی جدید نامید؛ مأموریت مشترک برای ترویج سکولاریسم، حمایت و پشتیبانی از سوی غرب، تاراج سرمایه ملی به هنگام فرار، حکومت مادام‌العمر، از وطن رانده؛ از غرب مانده، از جمله این شباهت‌ها است که می‌توان برشمرد (www. Pajoheshname.Blogfa.com). بعد از بن علی راشد الغنوشی که رهبر حزب اتجاه الاسلامی بود به قدرت رسید، وی از طرفداران اندیشه‌های امام خمینی (ره) و اسلام بود.

۳- الگو پذیری از ایران

در دهه ۷۰ دو ضعف عمده در جهان اسلام به چشم می‌خورد که شامل محتوا و ایدئولوژیو ساختار بیرونی جنبش اسلامی بود. انقلاب اسلامی ایران زمانی که به پیروزی دست یافت، از ایدئولوژی اسلامی شیعی و ساختار جمهوری با محوریت ولایت فقیه برخوردار بود؛ که در

اندیشه‌ی سیاسی غنوشی و ضعف‌های موجود آن زمان تأثیرات بسیاری گذارد؛ به گونه‌ای که غنوشی خود را از شاگردان علما و مجاهدین برجسته حرکت‌های اسلامی قلمداد می‌کرد (غنوشی، ۱۳۷۰: ۲۶-۲۴). اندیشه‌ی ولایت فقیه امام خمینی(ره) به صورت نظری و عملی، منطبق بر اصول اسلامی و نیازهای جامعه اسلامی بود که متفکران اهل سنتی چون غنوشی را به تحسین، از امام و مردم ایران واداشت (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۹۰). موقعیت زمانی انقلاب ایران، از جمله عواملی بود که در حرکت مردم تونس و شخصیت غنوشی بسیار مؤثر واقع شد. اسلام گرایان تونس، در دهه‌ی ۷۰ فعالیت خود را آغاز کردند، اما حکومت حاکم بر کشور که بر اساس نمادهای سکولاریسم در جامعه شکل گرفته بود منجر شد که فرهنگ دینی و فرهنگ اسلامی مردم غارت شود و ساختارهای بی‌دینی مانند، بی‌هویتی درمورد مسلمانان، زنان و جوانان، بی‌حجابی و... آسیب‌های جدی را به کشور وارد نماید.

در تونس مذاهب مختلفی چون «شیعی»، «حنفی» و «اباضی» و نحله‌ای از خوارج در این کشور وجود دارد، اما ۹۸ درصد آن را مسلمانان مالکی مذهب تشکیل می‌دهند. حوزه و محیط پخش در این زمینه بسیار مهم جلوه می‌کند، بدین جهت پذیرا و یا ناپذیرا بودن محیط بسیار حائز اهمیت می‌باشد، تونس را اگر به عنوان مقصد پخش انقلاب اسلامی ایران در نظر بگیریم، با وجود اقلیت‌های مذهبی در آن، می‌توان آن را ترکیبی از دو محیط پذیرا و ناپذیرا دانست که به دلیل برخورداری از بافت مذهبی شیعه که در میان اکثر توده‌های مردم آن رواج دارد، دارای محیطی پذیرا است. انقلاب اسلامی ایران، تحولات بسیاری درخیزش مردم تونس ایجاد نمود و به مبارزات آن‌ها وسعت بیشتری بخشید. غنوشی در ۱۹۷۸ از این جریان، یک سازمان جدیدی به نام النهضه (اتجاه الاسلامی) به وجود آورد که برخلاف گروه اسلام گرایان ترقی خواه که توسط حمیده النیفر و صلاح الجورشی رهبری می‌شد؛ مفهومی گسترده تراز اسلام و دینداری به مردم نشان داد (غنوشی، ۱۳۷۰: ۴۸ - ۴۶). در افکار گذشته الغنوشی نکات زیر قابل استخراج بود:

جهان اسلام در حال جنبش و تحول است و اسلام از سطح نظری و اعتقادی به سطح عملی و احکام درآمده است. پیش‌تاز این حرکت امام خمینی(ره) است. موفقیت انقلاب ایران موجب صدور این توصیه از سوی غنوشی شده است که با اتحاد اسلام و ایجاد امت اسلامی موفقیت آن تضمین می‌شود (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۵-۱۳۴).

غنوشی سال ۱۳۷۰ در سالگرد امام خمینی(ره) شرکت کرد و درباره‌ی ضرورت تشکیل امت اسلامی و اتحاد مسلمانان سخن گفت. از این همه شواهد و قرائن بر می‌آید که تفکر کنونی وی نیز تا حدی ملهم از افکار و عملکرد امام خمینی(ره) است. وی حتی در تحلیل رویدادهای فلسطین، امام را پرچمدار آزادی فلسطین دانسته بود که مسأله فلسطین تمام فکر امام را به خود مشغول کرده بود، مسأله‌ی فلسطین محور ستیز جهانی امروز است (بعثت، ۱۳۷۰: ۷-۵). حزب اتجاه الاسلامی سه سال بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۸۱ شکل گرفت که دنباله روی چند نمونه از اهداف زیر بود: رد اصول سکولاریسم؛ ارتباط و پیوند با مسلمانان جهان؛ به رسمیت شناختن قومیت عربی و تحکم روابط با تمام مسلمانان جهان؛ نگرشی به مسأله فلسطین به عنوان ثمره انحراف تمدنی و فرهنگی و آزادی فلسطین از طریق آزادی اعراب از بند استعمار؛ رد خشونت.

انقلاب موانعی را نیز برای این جنبش ایجاد نمود؛ که می‌توان به محکوم شدن جنبش اسلامی، زندانی شدن راشد الغنوشی، قطع رابطه‌ی تونس با ایران در ۱۹۸۷ و تثبیت حکومت سکولاری مخصوصاً در دوران بن علی اشاره نمود. دولت در زمان بن علی فعالیت‌های این جنبش و رهبرانش را با متهم کردن به اعمال خشونت متوقف نمود، ارتباط با ایران را منع کرد و موانع بسیاری برای آن ایجاد نمود. در سال ۱۹۹۱ بیش از ۸۰۰ نفر از اعضای این جنبش را دستگیر نمود و صدها تن از اعضای آن را شکنجه و به شهادت رساند. در واقع موضع گیری‌های بن علی، حکایت از آن داشت که تونس در راستای اهداف آمریکا گام بر می‌دارد و منافع قدرت‌های دیگر از جمله فرانسه را حفظ و تأمین می‌نماید. در سال ۱۹۸۴ با آزادی غنوشی این جنبش از مرگ سیاسی که دچارش گشته بود رهایی یافت؛ و به یک جنبش سیاسی رادیکال انقلابی علیه نظام حاکم مبدل گردید؛ که مانع درونی برای تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رفت.

در اندیشه‌های غنوشی تفسیری که از حکومت اسلامی ارائه می‌شد؛ ناظر بر یک وضعیت، یا نهاد و سازمان بود. از نظر نهادی معتقد بود که شکل گیری نظام‌های ملی با رعایت حقوق اولیه‌ی اسلامی شهروندان و ایجاد رابطه‌ی متقابل مناسب امری مشروع قلمداد می‌گردد. وی با این استراتژی از هم‌تایان پاکستانی و مصری خود بسیار فاصله گرفت و با تأیید الگوی ملی از حکومت با رعایت اصول کلان اسلامی که در راستای نیل به برتری اسلام در گستره جهانی است، رضایت می‌دهد؛ که حمایت او از انقلاب اسلامی ایران و رهبر آن، در بینش غنوشی نشأت

گرفته است و منجر می‌گردد که با وجود اختلافات مذهبی، آن را مورد تأکید و تصریح قرار دهد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۹۰). امام خمینی(ره)، از نگاه غنوشی به‌عنوان یک مصلح، نمایانگر تحولی عظیم در سطح بین‌الملل و منطقه است (مرتضایی، بی تا: ۷۶). پیروزی انقلاب اسلامی، با خیزش مردم تونس همزمان گردید که امید بسیاری را برای مردم تونس به همراه داشت. اسلام، دینی غالب برای آن‌ها به شمار می‌رود، انقلاب اسلامی ایران، بیداری مردم تونس را در پی داشت که با اعتراضات خیابانی در تونس همراه بود؛ و به انقلاب «گل یاسمن» شهرت یافت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران که تحولات در سطح منطقه را به دنبال داشت، با دشمنی‌های بسیاری از جانب ابرقدرت‌هایی چون آمریکا و اسرائیل مواجه گردید.

۴- آمریکا و بیداری اسلامی

بیداری اسلامی، بهار عربی، همه و همه خیزش امت عرب و مناطق خاورمیانه است که از ساخته‌های جدید در عرصه سیاسی و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود. قیام عربی از تونس آغاز گردید و به تدریج به سایر کشورهای عربی دیگر سرایت نمود؛ در واقع بیداری اسلامی و تلاش اسلام‌گرایان برای ورود به عرصه‌های جدید و ضعف و شکست آمریکا در مقابله با این قیام‌ها، به‌عنوان واقعیتی ناخوشایند و دلهره‌آور برای حاکمان غربی به شمار می‌رود. بدین لحاظ کشورهای آمریکایی و اروپایی تلاش می‌کنند؛ با به کارگیری شیوه‌های گوناگون این قیام‌ها را به مسائل رفاهی، اقتصادی و یا تلاشی برای کسب نظامی دموکراتیک مطرح نمایند و هیمنه آن را از نظر اسلامی بودن فرو بریزند و تلاش اسلام‌گرایان را نادیده بگیرند. تلاش برای ورود اسلام‌گرایان به ساختارهای سیاسی - حکومتی در مصر، تونس، بحرین و لیبی از اولویت‌های اساس جهان غرب به شمار می‌رود. خیزش‌های ناگهانی عربی، موجب غافلگیری آمریکا گردید و آن را با بحران مواجه ساخت. تحولات سریع الوقوع تونس و درنهایت فرار بن علی به عربستان، باعث بهت و حیرت همگان گردید. آمریکا و فرانسه که از گذشته از حامیان بن علی به شمار می‌رفتند تلاش کردند با حفظ سیستم برجای مانده از بن علی، مانع تغییرات ساختاری در راستای خواسته‌های مردمی شوند، اما اقدامات آن‌ها نتوانست چندان دوام بیاورد، زیرا بیداری اسلامی در مقابل دیده‌گان آن‌ها واقع شد و دائماً در تلاش بودند، بتواند انقلاب‌های حاصل شده را به سمت و سویی ببرند که خواسته‌هایشان را تأمین کنند. برای غرب و بالخصوص آمریکا این مسأله قابل هضم نبود که حکومت‌هایی چون جمهوری اسلامی ایران در منطقه روی

کار بیاید که با گذشت، بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی باکم رنگ جلوه دادن آن در تلاش‌اند تا مانع شکل‌گیری جمهوری اسلامی دیگری در منطقه شوند؛ اما با تمام این اوصاف، آنچه که در سطح منطقه گسترش یافته است، الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران بوده، شاید به وضوح نتوان آینده‌ی خاورمیانه را پیش‌بینی نمود، اما آنچه که می‌توان مشاهده نمود نقش مردم است که نمی‌توان آن را در این حوادث نادیده گرفت؛ و اینکه دیگر حکومت‌های شبه جمهوری و مادام‌العمر، جایی در این کشورها ندارد؛ و دغدغه‌های آنان تشکیل حکومت‌هایی است که در پس این اتفاقات و تحولات در منطقه شکل می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

انقلاب ایران در این کشور زمانی مطرح گردید که رهبران غیرمذهبی آن با چالش مواجه شدند. انقلاب اسلامی سعی نمود تا مرز جدیدی را به گفته امام خمینی (ره) میان مستضعفان و مستکبران ایجاد نماید و جبهه‌ای جدید را در برابر شرق و غرب برگزیند که منجر به حرکت‌های مردمی گردید؛ زیرا این انقلاب بی‌نظیر به‌عنوان پدیده‌ای است که بر بنیادهای دینی با تکیه بر روش‌های مدرن دموکراسی شکل گرفته و الگویی است جدید از مقاومت و مبارزه با استبداد و استعمار. الگویی که نشان‌دهنده‌ی مدیریت در عرصه‌ی قدرت، سیاست و حاکمیت است و تأثیر بسیاری بر جریان‌های فکری، ایدئولوژیکی داشت. بیداری اسلامی، در کشورهای منطقه و سطح خاورمیانه به‌زعم تفاوت‌های ظاهری این کشورها دارای نقاط مشترک بسیاری است که منجر به استمرار آن در سیر تحولات این کشورها گشته تا آن‌ها بتوانند به آرمان‌های بلند خود هرچند اگر کوتاه باشند؛ دست یابند. با توجه به فراگیر و عمیق بودن این انقلاب می‌توان آن را یک بیداری عمیق و ملی دانست و با توجه به گروه‌های رهبری کننده این حرکت‌ها و انقلاب‌ها و پیروزی اسلام‌گرایان در تونس می‌توان این نوع بیداری از نوع دینی و با سمت و سوی اسلامی دانست. آنچه که از این مکتوب حاصل گردیده این است که، ظهور و نقش انقلاب اسلامی از بارزترین عوامل در خیزش‌های خاورمیانه و شمال آفریقا است. به واقع آموزه‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی بر اساس عدالت اجتماعی، مردم‌سالاری دینی، استقلال و آزادی است که توانسته جمهوری و اسلامیت را کسب نماید و الگوی مؤثری است در جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی در واقع نقطه‌ی عطفی است در رهایی و بیداری بسیاری از ملت‌هایی که در خواب غفلت به سر می‌برند. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی، باعث تجدید حیات روح امت

اسلامی در زمان غیبت در سایه رهبری دینی گردیده است که نگاه تمام مسلمانان جهان را به آن معطوف ساخته است که تمام اهداف و مقاصد خود را با تأثیر از انقلاب و مواضع انقلابی و تشکیلات جدید جستجو می‌نمایند. هدف، مقصد، موضع انقلابی و تشکیل حکومت اسلامی از عوامل بسیار مهم سرایت و پخش انقلاب اسلامی در جنبش‌های مردمی و رهبران این کشور به شمار می‌رود. وضعیت اسفبار فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه سکولار تونس و همزمانی آن با اوج مبارزات انقلاب اسلامی، سرعت پخش و سرایت انقلاب را در میان مردم مسلمان آن سرعت بخشید. از سوی دیگری تأثیرپذیری رهبرانی چون غنوشی از امام (ره) و انقلاب اسلامی، پخش سلسله مراتبی را در واکنش‌های مردمی و جنبش‌های شکل گرفته در این کشور ارتقاء بخشید. به همین جهت، این وقایع با بیداری اسلامی مردم تونس و اتخاذ تصمیمات سیاسی رهبران آن‌ها، بیانگر عمق تأثیرات آن‌ها از شخصیت والای امام خمینی (ره) و پخش ایده‌های انقلاب اسلامی در میان مردم این کشور است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اسپریگنز، توماس (۱۳۶۵). *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: آگاه.
- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۹۱). *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدبرشانه چی. تهران: باز.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). *بیداری اسلامی در نظر و عمل*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). *مصلحت و سیاست، رویکردی اسلامی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- امیرشاهی، ذوالفقار (۱۳۷۳). *تونس*. تهران: وزارت امور خارجه.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹). *روانشناسی سیاسی*. تهران: سمت.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۳). «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران»، *حقوق و سیاست*، شماره ۸.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱). *نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- توال، فرانسوا (۱۳۸۰). *ژئوپلیتیک تشیع*، ترجمه حسن صدوق وینی. تهران: شهید بهشتی.
- جردن، تری و لستر روانتری (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.

- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۵). تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۱). «انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان». فصلنامه‌ی اندیشه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۷). «انقلاب اسلامی ایران و اسلام سیاسی»، در گفتارهایی درباره‌ی انقلاب اسلامی، به اهتمام جلال درخشه. تهران: دانشگاه امام صادق.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۱). اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶). تضاد و توسعه. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رهبر، عباسعلی (۱۳۹۲). غرب و تجدد حیات اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شکویی، حسین (۱۳۷۷). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. تهران: گیتاشناسی، جلد اول.
- شکویی، حسین (۱۳۶۴). جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- عباسی، روح‌الله (۱۳۹۱). بازگشت به اسلام ماهیت بیداری. تهران: دفتر علم.
- عنایت، حمید (۱۳۶۳). سیری در اندیشه‌ی سیاسی عرب. تهران: سپهر.
- غنوشی، راشد (۱۳۷۰). حرکت امام خمینی (ره) و تجدید حیات اسلامی، ترجمه سیدهادی خسروشاهی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳). قله‌ی عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر. تهران: نشرمرکز.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مرتضایی، علی‌اکبر (بی‌تا). امام خمینی (ع) در حریق دیگران. بی‌جا.
- هاگت، پیتر (۱۳۷۵). جغرافیای ترکیبی نو، ترجمه شاپور گودرزی نژاد. تهران: سمت.

(ب) منابع انگلیسی

Keddi, Nikki (1995). *Iran and the Muslem World: Resistance and Revolution*, London, Macmillan.
www.pajoheshname.blogfa.com/post/15

